

ملاعمر = ملاخامنه ای؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

رژیم جمهوری اسلامی ایران و طالبان، با وجود این که سیاست های گوناگونی دارند اما در اجرای احکام و قوانین اسلامی، چندان تفاوتی با هم نداشته و اساسا از ایدئولوژی مشترکی تغذیه می کنند. رژیم جمهوری اسلامی و طالبان، قوانین اسلامی را با صدور فتوا، احکام صادره دادگاه ها و مقررات اداری، بی حقوقی زن را به طور سیستماتیک و سازمان یافته ای رسمیت دادند و زندگی برده واری را بر زنان تحمیل کردند. مقامات، مجامع قانون گذاری، ارگان ها، ماموران انتظامی، امر به معروف و نهی از منکر، با تمام قوا تلاش کردند تا زنان را به پذیرش نابرابری، آپارتاید جنسی، سرکوب و تحقیر تحت موازین اسلامی و الهی مجبور سازند. برای نمونه می توان نزدیکی سیاست ها و عملکردهای این دو رژیم اسلامی را در ابتدایی ترین مسائل مردم، به ویژه در امر زنان و آزادی و شادی دید.

خامنه ای رهبر رژیم جمهوری اسلامی ایران، در سپتامبر ۱۹۹۶ طی مصاحبه ای با ماهنامه «صبح» مجموعه فتوایی صادر کرد که از هر کلمه آن بوی وحشی گری و ضدزن برمی خاست. برخی از این فتواها چنین است:

ماهنامه «صبح»: بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و یا مقنعه از سوی خانم ها در انظار عمومی در دید نامحرمان چه صورتی دارد؟

خامنه ای: جایز نیست وپوشاندن تمام موی سر در برابر نامحرم واجب است.

سؤال: نظر حضرت عالی در مورد پوشیدن لباس هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی در آن نقش بسته، چیست؟

جواب: استفاده از این گونه لباس ها که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمین، است اشکال دارد.

سؤال: پوشیدن جوراب های نازک و بدن نما برای خانم ها بیرون از خانه و در انظار نامحرمان چه صورتی دارد؟
جواب: پوشانیدن بدن از نامحرمان، بر زن واجب است و چنین جوراب هایی برای حجاب شرعی کفاف نمی کند.

سؤال: تراشیدن ریش و ماشین کردن آن با ماشین ته زن چه حکمی دارد؟

جواب: به احتیاط واجب، باید از تراشیدن ریش و ماشین کردن که مثل تراشیدن است، احتراز شود. تراشیدن ریش با هر وسیله ای باشد، حرام است. علی الخصوص کوتاه کردن ریش تا مقداری که صدق ریش کند، مانع ندارد.

سؤال: آموزش دیدن بچه هایی که تازه به سن بلوغ رسیده اند و یا دوران نزدیک به بلوغ هستند نواختن موسیقی را با

انواع آلات آن فرا می گیرند، چه حکمی دارد؟

جواب: آموزش موسیقی حکم اصل موسیقی را دارد. به طور کلی، ترویج موسیقی با اهداف نظام اسلامی سازگار نیست و آموزش موسیقی در سنین دانش آموزی، خالی از مفسده نیست. آموزش موسیقی و نوازندگی به نو نهالان و جوانان موجب انحراف آنان و تربت مفسد است و جایز نیست. به طور کلی، ترویج موسیقی با اهداف عالی نظام اسلامی منافات دارد، مسئولین فرهنگی مجاز نیستند، سلیقه های شخصی خود را به اسم نشر فرهنگ و معارف در آموزش و پرورش نوجوانان به کار گیرند.

سؤال: آیا زنان با وجود پوشش خود می توانند از دوچرخه و موتورسیکلت استفاده نمایند؟

جواب: زن باید از هر کاری که توجه نامحرمان را جلب می کند، اجتناب نمایند. دوچرخه سواری زن در مراکز و معابر عمومی و در معرض دید دیگران موجب تربت مفسد است، و لذا جایز نیست.

ریاست عمومی امر به معروف و نهی از منکر

کابل، دسامبر ۱۹۹۶ (قوس - آذر - ۱۳۷۵)

۱ - جلوگیری از اغوا و بی حجابی زنان: هیچ راننده ای حق ندارد زنی با برقع (چادر) ایرانی را سوار اتومبیل نماید. راننده در صورت تخلف زندانی خواهد شد. اگر چنین زنی در معابر یافت شود، خانه اش جست و جو و شوهرش مجازات خواهد شد. اگر زنان از پارچه های تحریک کننده و جذاب استفاده کنند و همراه بستگان خود نباشند، رانندگان نباید آن ها را سوار کنند.

۲ - ممنوعیت موسیقی: استفاده از کاست و موسیقی در مغازه ها، هتل ها، و وسائط نقلیه ممنوع است. ظرف پنج روز روی این موضوع نظارت خواهد شد. اگر هر نوع کاست موسیقی در یک مغازه یافت شود، مغازه دار زندانی و مغازه اش بسته خواهد شد. اگر پنج نفر ضمانت کنند، مغازه باز و مجرم پس از آن آزاد می شود. اگر کاست در وسیله نقلیه یافت شود، اتومبیل باید توقیف و راننده زندانی شو. در صورت ضمانت پنج نفر، اتومبیل آزاد و بعدا زندانی رها خواهد شد.

۳ - ممنوعیت کوتاه کردن یا تراشیدن ریش: اگر پس از یک ماه و نیم (پس از تسخیر کابل توسط طالبان) مشاهده گردد کسی ریش خود را کوتاه کرده و یا تراشیده است، باید دستگیر و زندانی گردد تا ریشش انبوه شود... (طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ، احمد رشید، ترجمه اسدالله شفایی و صادق باقری، ص ۲۵۳)

مقررات کار برای شفاخانه های (بیمارستان ها) دولتی و درمانگاه های خصوصی براساس اصول شریعت اسلامی. وزارت صحت عامه (بهداشت و درمان) به نمایندگی از امیرالمومنین ملامحمد عمر.

کابل، نوامبر ۱۹۹۶ (عقرب - آبان ۱۳۷۵)

۱ - بیماران زن باید به پزشکان زن مراجعه نمایند. در صورتی که پزشک مرد مورد نیاز باشد، بیمار زن باید در معیت بستگان نزدیکش معاینه شود.

۲ - در طول معاینه، بیماران زن و پزشکان هر دو باید پوشش اسلامی و حجاب داشته باشند.

- ۳ - پزشکان مرد جز عضو مبتلا به بیماری نباید هیچ بخش دیگر از بدن بیماران زن را لمس کنند یا مشاهده نمایند.
- ۴ - سالن انتظار بیماران زن کاملاً باید مستور باشد.
- ۵ - منشی هایی که برای بیماران زن نوبت می دهند باید زن باشند.
- ۶ - در طول نوبت شب، پزشکان مرد بدون درخواست بیمار مجاز نیستند وارد اتاق هایی شوند که بیماران زن در آن ها بستری هستند.
- ۷ - نشست و برخاست و گفتگو میان پزشکان زن و مرد ممنوع است؛ اگر گفتگویی ضرورت داشته باشد باید با حجاب صورت گیرد.
- ۸ - پزشکان زن باید لباس های ساده بپوشند؛ آن ها مجاز نیستند از لباس های شیک و تجملی و یا لوازم آرایش استفاده کنند.
- ۹ - پزشکان و پرستاران زن نباید وارد اتاق هایی شوند که در آن ها بیماران مرد بستری هستند.
- ۱۰ - کارمندان شفاخانه ها باید نماز را در وقت خود در مساجد بخوانند.
- ۱۱ - ماموران منکرات مجاز هستند هر زمانی برای کنترل وارد (شفاخانه ها) شوند و کسی حق ندارد برای آن ها ممانعت ایجاد کند.
- هر کسی که از این فرامین تخطی کند، براساس مقررات اسلامی مجازات خواهد شد. (طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ، احمد رشید، ترجمه اسدالله شفایی و صادق باقری، ص ۳۵۲ و ۲۵۳)
- بنا به آمارهای رسمی، ۱۰ سال پیش در شهر یک میلیون و دویست هزار نفری کابل، حدود ۷۰ درصد معلمان، ۵۰ درصد کارمندان دولت و ۴۰ درصد پزشکان را زنان تشکیل می دادند. اما بعد از سال ۱۹۹۲ که مجاهدین قدرت را به دست گرفتند و به ویژه پس از این که طالبان در سال ۱۹۹۶ به قدرت رسید، زنان را مجبور کرد که از کار و تحصیل دست بکشند و خانه نشین گردند.

وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، در تاریخ ۱۵ تیر ماه ۱۳۵۹ طی بخشنامه ای به مدارس کشور دستور می دهد که:

- ۱ - مدارس مختلط برچیده شوند.
 - ۲ - معلمین زن در مدارس دخترانه و معلمین مرد فقط در مدارس پسرانه می توانند تدریس کنند.
- همچنین به دنبال فتوای خمینی مبنی بر رعایت حجاب اسلامی اقدامات زیادی از سوی ارگان های مختلف انجام شده است. اقداماتی نظیر:
- جدا سازی مردان و زنان در اتوبوس های شرکت واحد.
 - جدا سازی آرایشگاه های مردانه و زنانه.
 - جدا سازی پرستاران زن و مرد در بخش های زنان و مردان.
 - معاینه بیماران زن و مرد در بخش های زنان و مردان.
 - معاینه بیماران زن توسط پزشکان زن و معاینه بیماران مرد توسط پزشکان مرد.
 - جدا سازی محل کار کارمندان و کارگران زن از محل کار مردان.
 - جدا سازی غذاخوری زنان و مردان در کارخانه ها و ادارات و دانشگاه ها.
- زنان زندانی نیز همانند مردان زندانی و تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی قرار می گیرند، هفته ها و ماه ها

در سلول های انفرادی شکنجه های وحشیانه را تحمل می کنند، خون شان قبل از اعدام جهت خون رسانی کشیده می شود و ماه ها و سال ها در سلول های خود صدای شکنجه و تجاوز به خواهران و برادران دربند خود را از بلندگو می شنوند. گذشته از همه این ها به خاطر این قانون وحشیانه اسلامی که اگر دختر باکره ای اعدام شود به بهشت می رود، قبل از اعدام مورد تجاوز جنسی پاسداران انقلاب اسلامی قرار می گیرد تا دختر اعدامی باکره از دنیا نرود. و در آخر هم پول مهریه دختر مورد تجاوز و اعدام شده را به پدر و مادر او پرداخت می کنند...

این ها نمونه هایی از قوانین ضدانسانی رژیم جمهوری اسلامی و طالبان است. این دو رژیم ارتجاعی و تروریستی اسلامی، بلافاصله پس از کسب قدرت، نابرابری میان زن و مرد را در تمام شئون زندگی اجتماعی به اجرا درآوردند، سرکوب و تحقیر زنان را در سطح گسترده ای سازمان دادند و شرایطی را به وجود آوردند که هیچ زنی احساس امنیت نمی کند. با کوچک ترین بهانه ای ماموران و چماقداران حزب الله می توانند به زنان توهین کنند، به حمله ور شوند، مورد ضرب و شتم قرار دهند، اسید بپاشند، به لب هایش تیغ بکشند، به زور او را به جای نامعلومی ببرند و به نحوی وحشیانه با او رفتار نمایند.

طالبان، در افغانستان، با استفاده از موقعیت اقتصادی و سیاسی این کشور و در میان جنگ و کشتار داخلی توانست زنان را خانه نشین کند. جمهوری اسلامی، سال ها قبل از طالبان همه سعی و کوشش خود را به کار بست تا زنان را از فعالیت های سیاسی و اجتماعی دور سازد اما موفق نشد. به دلیل این که موقعیت اقتصادی و سیاسی و مبارزه جاری در جامعه و به ویژه مبارزه مستقیم خود زنان، چنین اجازه ای را به رژیم جمهوری اسلامی نداد که قوانین ارتجاع اسلامی را صددرصد به مرحله اجرا بگذارد.

زن در اسلام موقعیتی پست تر از مرد دارد. زن نصف مرد ارث می برد. شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است. زن حق طلاق ندارد، در حالی که مرد می تواند همسر خود را به سهولت و غیابا طلاق دهد. پس از طلاق زن حقی نسبت به دارایی های زندگی مشترک ندارد. قیمومیت فرزندان تماما به عهده مردان است. و پس از جدایی زن حقی نسبت به فرزندان خود ندارد. زن مجاز نیست بدون اجازه شوهر کار کند؛ به سفر برود و یا از منزل خارج شود.

در اسلام، اگر زنی نیم نگاهی به مردی «نامحرم» بیاندازد مستحق مجازات است اما مرد مجاز است چهار زن رسمی و تعدادی صیغه داشته باشد. قرآن صریحا این نابرابری ها را تایید می کند: «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است، به واسطه برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آن که مردان از مال خود به زنان نفقه بدهند». (سوره النساء آیه ۳۸)

مخاطبین قرآن مردان اسلامی هستند. مردان مالک همه چیز (حتا زنان) بوده و آنان در هر امری تصمیم می گیرند و دستورات خدا و قرآن را در مورد زنان به اجرا می گذارند.

«همچنین زن شوهردار به شما حرام است، مگر زنان شوهرداری که در موقع جهاد با مشرکین آن ها را اسیر بکنید». (سوره النساء آیه ۲۶)

«زنان کشتزار شما نیستند، برای کشت به آن ها نزدیک شوید، هر گاه معاشرت آن ها خواهید». (سوره البقره آیه ۲۲۴)

«زنانی که از مخالفت و نافرمانی آن ها بیمناکید، باید نخست آن ها را موعظه کنید. اگر مطیع نشدند، آن ها را به زن تنبیه کنید. اگر اطاعت کردند دیگر حق هیچ گونه ستم ندارید...». (سوره النساء آیه ۳۴)

«با زنان مشرک ازدواج نکنید، مگر ایمان آرند و همانا کنیزکی با ایمان بهتر از زن آزاد و مشرک است...». (سوره البقره آیه ۲۲۱)

«مردان کاراندیش زنانند، برای این که خدا بعضی کسان را بر بعضی دیگر برتری داده و برای این که از مال های خویش خرج کرده اند. زنان شایسته فرمان بری اند، زمانی که از نافرمانیشان بیم دارید پندشان دهید و در خوابگاه ها از

آنان جدایی کنید و بزیندشان و اگر فرمانبر شدند بر آن ها بهانه مجوئید که خدا والا و بزرگ است». (سوره النساء آیه ۳۲)

«ای پیغمبر زانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرده و ملک تو شدند و نیز دختران عمو و دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله، آن ها که با تو از وطن هجرت کردند و نیز زن مومنه ای که خود را بی شرط و مهر به رسول به بخشند و رسول هم به نکاحش مایل باشد که این حکم مخصوص تو است... این زنان که همه را بر تو حلال کردیم بدین سبب بود که بر وجودت در امر نکاح هیچ خرج و زحمتی نباشد...» (سوره الاحزاب آیه ۵۲)

«ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مومنان را بگو که خویشتن را با چادر فرپوشند که این کار برای این که آن ها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوس رانان آزار نکشند...». (سوره النساء آیه ۱۲)

«متقیان را در آن جهان مقام هرگونه آسایش است. باغ ها و تاکستان ها است. دختران (زیبا) که همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند. و جام های پر از شراب طهور». (سوره النبأ آیه های ۲۹، ۳۲، ۳۳ و ۳۴)

با توجه به آیه های قرآن، رژیم ها و فرقه هایی نظیر رژیم جمهوری اسلامی، عربستان سعودی، طالبان و سازمان های تروریستی، در آسیا و آفریقا، دست به کشتار، جنگ، ترور، زندان، شکنجه، اعدام، سنگسار، قصاص و به ویژه سرکوب زنان می زنند. هدف همه جریانات اسلامی، از سرکوب سیستماتیک زنان و آزار آن ها این است که نیمی از جامعه یعنی زنان را از صحنه مبارزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دور کرده و با آفریدن جو رعب و وحشت و حمله به زنان به بهانه مبارزه با بدحجابی و با استفاده از حربه مذهب و تحریک عقب مانده ترین اعتقادات جامعه، زنان را به سکوت و تمکین وادار نمایند تا در جنبش های اعتراضی اتحاد و همبستگی در بین زنان و مردان معترض و مساوات طلب به وجود نیاید. از سوی دیگر خانه نشین شدن زنان به نفع سرمایه داری و به ویژه هنگامی که بحران بیکاری موجود است، می باشد.

اکنون طالبان، بر اثر حملات هوایی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در معرض فروپاشی قرار گرفته است. جای آن را رقبای ملی و مذهبی اش از حکمتیار تا ظاهرشاه خواهند گفت. یعنی مردم از چاله در نیامده در چاه می افتند. رژیم می که قرار است در کابل، جایگزین طالبان شود همان یاران سابق طالبان هستند. مردم در این میان نقشی ندارند بلکه رژیمی که ساخته می شود رژیم آمریکا و انگلستان و دیگر متحدانشان با مزدوران محلی و روسای قبیله ها که بیش از دو دهه است جنگ داخلی خونینی را به مردم محروم و زحمتکش به ویژه زنان این کشور، تحمیل کرده اند.

در چنین شرایطی برهان الدین ربانی، رییس جمهور مجاهدین، بعد از ۵ سال به کابل باز گشت. بسیاری از مردم افغانستان از ورود ربانی به کابل، ابراز خوشحالی نکردند. به دلیلی این که در دوره ریاست جمهوری او، بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، فرقه های مختلف مجاهدین، جنگ داخلی خونینی را برای تقسیم قدرت راه انداخته بودند که در اثر آن، بیش از ۵۰ هزار نفر فقط در کابل، به قتل رسیدند و هزاران نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه شان شدند. بیمارستان ها، مدارس، پست و تلفن و بخش اعظم شهر را ویران کردند. اکنون با ورود ربانی، مردم نگران هستند که دوباره جنگ داخلی بر سر تقسیم قدرت شعله ور شود. از سوی دیگر محمد ظاهر شاه که ۲۸ سال پیش سقوط کرده بود به این رقابت پیوسته است. تمام رهبران سیاسی افغانستان، نظیر محمد ظاهر شاه، صبغت الله مجددی، برهان الدین ربانی، ملا عمر، ژنرال عبدالرشید دوستم، عبدالقسیم فهیم، ژنرال ملک، گلبدین حکمتیار، کریم خلیلی، اسماعیل خان، سیداسحاق گیلانی و غیره دست شان به خون مردم و سرکوب سیستماتیک زنان آلوده است. یک قاضی ارشد ائتلاف شمال در کابل، به فرستاده لیبراسیون گفته است که بریدن دست دزدان و سنگسار زناکاران و حجاب از ارکان

مهم اسلام است. زنان افغانستان با شناختی که از عملکرد فرقه‌های اسلامی هفت گانه مجاهدین و طالبان دارند همواره در نگرانی بسر می‌برند.

طالبان و رژیم جمهوری اسلامی، با هر تفاوتی و تضادی عملکرد و سیاست مشابهی دارند که از جهان‌بینی مشترک‌شان سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل چندی پیش سازمان انقلاب اسلامی به رهبری بهزاد نبوی که یک پای اصلی حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در ۲۳ سال گذشته بوده است و یکی از جریان‌های مهم «اصلاح طلبان دوم خردادی» و نایب رییس سابق مجلس شورای اسلامی، با صدور قطعنامه‌ای خواهان مذاکره وزارت خارجه، با طالبان شد. چنین سیاستی تاکید دیگری بر این امر است که جناح «تمامیت خواه» و جناح «اصلاح طلب دوم خردادی» شدیداً بر سر تقسیم قدرت با هم کشمکش دارند اما هرگز اختلافی در سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم و تحمیل بی‌حقوقی‌های وحشیانه به زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران و همه انسان‌های آزادی‌خواه ندارند. خاتمی رییس جمهور رژیم جمهوری اسلامی، در دومین دوره ریاست جمهوری‌اش آشکارا اعلام کرد که انتخاب یک زن وزیر برای جمهوری اسلامی مضر است.

به هر حال طالبان رفت و بدبختانه جمهوری اسلامی هنوز در حاکمیت است اما این رژیم محکوم به رفتن و در لبه پرتگاه قرار دارد. رفتن جمهوری اسلامی و نظامی که جایگزین او خواهد شد از زیر بنا با رفتن طالبان و نظام جایگزینش متفاوت است، زیرا رژیم طالبان را آمریکا و متحدانش آوردند و بردند. رژیم مورد نظرشان هم از ائتلاف فرقه‌های اسلامی، شاه سابق و روسای قبایل فراتر نیست. رژیمی که، در غیاب مردم محروم و ستمدیده این کشور و از بالای سر آنان، توسط دولت‌های دموکرات غرب و مرتجعین منطقه‌ای و محلی ساخته می‌شود. متأسفانه به نظر نمی‌رسد که جنگ داخلی و انتقام‌گیری در افغانستان، به این زودی‌ها خاتمه یابد. در حالی که رژیم جمهوری اسلامی با مبارزه و اعتصاب کارگران، زنان، جوانان و همه انسان‌های آزادی‌خواه برکنار خواهد شد و آلترناتیو این رژیم، نه ائتلاف فرقه‌های ملی و مذهبی، بلکه دستکم یک نظام سکولار، شورایی، آزاد و برابر خواهد بود. تحولات افغانستان تاثیر خود را در ایران نیز خواهد گذاشت. مردم ایران باید از روند تحولات افغانستان تجربه کسب کنند و اجازه ندهند شاه و شیخ دیگری سرنوشت‌شان را رقم بزنند بلکه بر عکس مردم ایران، باید سرنوشت خود را به دست خویش رقم بزنند.

آزادی کامل زنان و برقراری رابطه برابر بین زن و مرد جز با نفی سرمایه‌داری و لغو کار مزدی ممکن نمی‌باشد. هر گونه مبارزه برای احقاق حقوق زنان در ایران، جدا از مبارزه با کل رژیم جمهوری اسلامی نیست.